

چند ملاحظه در مورد جزای اعدام

جزاها در حقوق و قوانین جهان اهداف معین را پیگیری میکنند. متأسفانه در موارد زیاد به فهم ساده و عام منظور از جزاء گرفتن انتقام و تاوان افاده میشود. این فهم و برداشت به هیچ صورت درست و دقیق نمیباشد. منظور از جزا قبل از همه برگشتاندن متخلف به جامعه و زندگی نورمال است. اما اهداف دیگر جزاء ها به صورت عمومی تربیه، وقایه، گرفتن حق، تذکیر و در مجموع تأمین عدالت و نظم در جامعه انسانی است. جزاء ها در حقوق اسلام به جزاء های حدودی و جزاء های تعزیری تقسیم میگردند. همچنان کتگوری حق الله و حق العبد نیز بحث های جالب، عریض و وطویل اند که در بحث یک صفحه یی باز کردن آن هم وارد نه خواهد بود. برای تثبیت جزاء های حدودی شارع در دین اسلام شرایط بس دقیق و قبلاً تعیین شده را پیش بینی کرده که به مجرد به وجود آمدن شبهه، مطابق به هدایات شرعی و قانونی باید از صدور حکم حدودی جلوگیری شده، حکم حدودی ساقط و به جزای تعزیری سفارش میشود.

جزای تعزیری جزای است که از جانب حاکم مطابق به قانون که قبل از ارتکاب جرم نافذ باشد نظر به حالات مختلف از جانب قاضی در داخل صلاحیت قانونی اش تعیین و بعد از نهای شدن و طی مراحل قانونی تطبیق میگردد.

به فهم من جزاء های حدودی بیشتر وظیفه وقایه و تربیه را اداء نموده که موجودیت آن هم حکمت، فلسفه و ضرورت خود را به صورت دقیق توجیه میکند.

مطابق به قوانین جزای کشورهای مختلف جهان اگر از زمان وقوع عمل جرمی تا زمان صدور حکم محکمه در مورد تخلف مواد قانون تغییر کند. بر متخلف همان مواد قانون تطبیق میگردد که به نفع متخلف بوده و جزای پیشینی شده قانون جدید سهل باشد.

در مورد موافقین و مخالفین جزا های اعدام و امثال آن جزاء ها که من آنرا بنا بر خاصیت جزاء «جزا های برگشت ناپذیر» خوانده ام شارع به دقت و احتیاط خاص در طریق اثبات وقوع جرم توسط شخص که متهم به آن است، حکم میکند.

آنهاییکه مخالف جزای اعدام اند بیشتر از همه موضع محکوم علیه موضوع را در نظر میگیرند اما اینکه مقتول و ورثه آن در چه حال اند و چه بر سرشان گذشته و یا میگذرد چندان توجه ندارند. عده از مخالفین جزای اعدام آنرا صبغه دینی مسیحی داده و توجیه میدارند که خداوند برای انسان روح و زندگی داده، لذا لایق و سزاوار خداوند است که از کسی زندگی بگیرد و یا نه. این توجیهاات دیگر.

شارع در دین اسلام بیشتر به تأمین عدالت تأکید دارد تا به تطبیق بلا قید و شرط احکام حدودی. در موارد زیاد در جزاء های حدودی مثلاً قصاص به ورثه مقتول تأکید سفارش میکند که عفو بهتر و ثواب بیشتر دارد تا انتقام.

چنانچه گفته آمدیم در تطبیق عدالت موجودیت شرایط و ظرفیت های لازم برای تطبیق عدالت مهم و ضروری است. من و برداشت من از عدالت در مبداء چنین است که موجودیت جزای اعدام یک امر غیر مطلوب ناخوش آیند اما ضروری است. اما به تطبیق و در نظر داشت تمامی شروط و امکانات لازم برای تثبیت جرم که آیا واقعا توسط متهم واقع شده و یا مثلاً تمامی شروط و مشخصات یک قتل عمد را که بر آن حکم و جزای اعدام تطبیق و عملی گردد دارد و یا خیر؟ به شناخت من ظرفیت های عدلی و قضایی در کشور ما چنین است که در تطبیق جزاء های اعدام باید و باید دقت بیشتر صورت گرفته شفافیت تام و شرایط کامل موضوع باید دقیقاً در نظر گرفته شود و حد اکثر باید در مورد از هر گونه افراط و تفریط خود داری گردد. تطبیق چنین شرایط با در نظر داشت ظرفیت های موجود جدا دشوار میباشد.

حکم اعدام مطابق به قانون بعد از نهای شدن حکم از جانب محاکم بعد از توقیع و توشیح توسط شخص اول کشور (در کشور ما یعنی رئیس جمهور) مطابق به قانون قابل تطبیق است.

با وجود اینکه تأمین عدالت و قضاوت خارج از محکمه و خصوصاً در روی سایت های و مطبوعات و آن هم با چنین اختصار غیر دقیق است اما من در پرنسیپ از فیصله و تصیم مؤرخ ۲۴/۱۰/۲۰۱۰ محترم حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان مبنی بر غور بیشتر روی دوسیه های اعدامی پشتیبانی و استقبال نموده و آنرا قدم نیک، عادلانه و ضرورت برای تأمین عدالت میدانم. چنانچه گفته آمدیم در ظرفیت های موجود عدلی و قضایی کشور تعویض جزاء های اعدام به حبس ابد، طویل المدت و یا حبس ابد به مفهوم واقعی کلمه و ... بیشتر به عدالت نزدیک خواهد بود.

از جانب دیگر یکبار دیگر به بلند بردن پرستیژ، اتوریته، مهارت های مسلکی، فنی و بلند بردن سایر ظرفیت های مراجع عدلی و قضایی که کلید حل بسیاری مشاغل و پدیده های منفی در کشور ماست تأکید نموده و توجه شدید مقامات و مسؤولین امور را در زمینه خواهانم.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ